

تناسب قصص قرآن با اغراض سوره‌ها (با محوریت داستان حضرت ابراهیم (ع))

فاطمه باصری^۱

مریم حاجی عبدالباقی^۲

چکیده

گرچه هدفمندی سوره‌ها با تدبر تصدیق می‌گردد، اما همچون برخی از مباحث جدید علوم قرآنی با مخالفت‌ها و موافقت‌های بسیاری مواجه شده است. از آنجاکه قصص قرآن در بطن سوره واقع گردیده، با اثبات هدفمندی هر سوره و ارتباط هدف اصلی سوره با قصص عنوان‌شده، نتایج مطلوبی حاصل می‌گردد. همچون پاسخ به چرایی تکرار و پراکندگی برخی از قصه‌ها در قرآن، علت ایجاز و یا تفصیل برخی از داستان‌ها و از همه مهم‌تر، پاسخی به شبهه مستشرقان و هم‌رأیان ایشان که تکرار را نتیجه غیر وحیانی بودن قرآن می‌دانند و درنهایت این مسئله را اثبات می‌نمایند که ساختار قصه‌ها تابعی از اغراض سوره‌ها هستند. در این راستا، داستان حضرت ابراهیم (ع) در سوره مختلف بررسی شد اما به جهت رعایت اختصار تنها در سوره «بقره، انعام، مریم، حجر و ممتحنه» به تفصیل بیان شده است و ارتباط داستان و محور سوره در سایر سوره در ضمن جدول ارائه گردیده است. با نظر به پژوهش صورت گرفته می‌توان گفت: قصه‌های قرآنی به‌عنوان بخش اعظمی از آیات قرآن، در راستای هدف و غرض سوره تکرار شده و بجای نقل منسجم داستان در یک سوره، تصاویر بُرش خورده از یک داستان به‌صورت پراکنده در راستای هدف مزبور در سوره‌ها مطرح شده‌اند.

واژگان کلیدی: قصص قرآن، تناسب، غرض سوره، هدفمندی سوره، داستان ابراهیم (ع)

^۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد تهران شمال fatemehbaseri@gmail.com

^۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین اسلوب‌های تبلیغی تربیتی قرآن مجید در هدایت بشر بیان سرگذشت پیشینیان در قالب قصه و داستان است. قصص قرآن به شیوه‌های گوناگون، در قرآن کریم بیان شده‌اند. گاه یک قصه به صورت گسترده و تفصیلی تنها در یک سوره مطرح گردیده است و در سوره دیگر اثری از داستان و قهرمان آن دیده نمی‌شود و زمانی به صورت موجز و کوتاه با گزینش صحنه‌های مؤثر در هدایت مخاطب و بدون رعایت ترتب زمانی در سوره مختلف توزیع و تکرار می‌گردد که غالب داستان‌های قرآن از این دسته هستند. همچنین گاه یک سوره به طور مستقل و با سیر تاریخی به داستان زندگی پیامبری می‌پردازد اما جنبه‌هایی از این داستان ناگفته باقی می‌ماند و در سوره دیگر به طور پراکنده ذکر می‌شود این نحوه بیان قصص تنها مختص به قرآن مجید است و در داستان‌های بشری چنین سبکی دیده نمی‌شود. بسیاری از مستشرقان و خاورپژوهان این سبک قصه-پردازی را دلیلی بر غیر وحیانی بودن قرآن و حاصل نفسانیات پیامبر اکرم (ص) و برگرفته از تورات و عهد عتیق می‌دانند. به بیانی دیگر، پیامبر اکرم (ص) با مراجعات متعدد و مکرر به اهل کتاب داستان امم گذشته و پیامبران ماقبل را دریافت کرده و با عبارات متفاوت و مختلف برای مسلمانان نقل می‌نمود از این رو داستان پیامبران با عبارات گوناگون در سوره‌های قرآن پراکنده و تکرار شده است. گروهی از مسلمانان نیز در این مسئله با مستشرقان هم‌داستان شدند. گرچه محققین و دانش‌پژوهان علوم قرآنی در مقالات و ... نظیر آسیب‌شناسی آراء مستشرقان در تحلیل قصص قرآن و موارد متعدد دیگر به کرات بدین شبهات پاسخ مقتضی داده‌اند مانند: ؛ اما تاکنون از منظر هدفمندی سوره‌ها و تناسب قصه با غرض و محور اصلی سوره بدین مهم اشاره‌ای نشده است.

حال سوال اصلی پژوهش حاضر این مطلب است که چرا قصه‌های قرآنی تکرار شده‌اند و در میان سوره مختلف توزیع گردیده‌اند؟ آیا امکان تجمیع یک داستان در یک سوره وجود نداشته است؟ لذا در پژوهش حاضر بر آنیم با بررسی رابطه داستان حضرت ابراهیم (ع) با محور و غرض اصلی سوره بر اساس دیدگاه کسانی که قائل به هدفمندی سوره‌های قرآن هستند بدین سوال پاسخ داده شود و افقی جدید در فهم علت ایجاز یا تفصیل و تکرار برخی از قصص قرآنی فراروی قرآن-پژوهان قرار بگیرد و این فرضیه که ساختار قصص تابعی از اغراض سوره هستند اثبات گردد. و نیز پاسخی به شبهات مستشرقان و هم‌رأیان مسلمان آنان باشد.

از این رو اغراض سوره بر اساس نظر برخی از مفسرین از جمله علامه طباطبایی نقل و ارتباط داستان باهدف اصلی سوره کشف و مورد ارزیابی قرار گرفته است. شایان ذکر است ارتباط ساختار قصه با غرض سوره، نیازمند پذیرش نظریه هدفمندی سوره‌ها است و هدفمندی سوره‌ها نیز، منوط به پذیرش توقیفی بودن چینی آیات در سوره و نیز وجود تناسب میان آیات یک سوره است. برای تبیین موضوع ابتدا واژه قصه و غرض مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

واژه‌شناسی قصه در قرآن

واژه «قَصَصَ» (به فتح قاف و صاد) مفرد و از ماده «قَصَصَ» است. لغویون و اندیشمندان قرآنی معنای چندی برای آن ذکر کرده‌اند چنانچه مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی آن را به معنای قصه دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۶۵؛ طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۷۶). برخی نیز، تتبع الامر (پی‌جویی کار) (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۸۰)، تتبع الشیء (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۱۱)، خبر (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۷۰؛ فیومی، بی‌تا، ص ۵۰۵)، تعقیب و پی‌جویی و خبری از اخبار گذشتگان که بعضی پشت سر بعضی باشد را برای آن بیان نمودند و بر این باورند که، به سرگذشت، قصص و قصه می‌گویند زیرا گوینده آن را تعقیب می‌کند و در دنبال آن است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۲) اما راغب آن را جمع گرفته و می‌گوید قصه به معنای اخباری است که پیگیری و بازگو می‌شوند. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۶۷۱). لغوی دیگری گفته: «قصّ الخبر» یعنی سرگذشت را آن‌طور که بود حکایت کرد (شرتونی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۳۵۱؛ فیومی، بی‌تا، ص ۵۰۵).

«قَصَصَ» (به کسر قاف) جمع قصه است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۷۰) برخی قید مکتوب را بدان افزوده و معتقدند: قِصَصٌ، جمع قصه‌ای است که نوشته می‌شود (ابن منظور، بی‌تا، ج ۷، ص ۷۴). واژه قصه و قِصَصٌ در قرآن مجید ذکر نشده است. کلمه «قَصَصَ» و مشتقات آن در هیئت اسم و فعل ۲۶ مرتبه در سوره‌های قرآن بکار رفته است.

نویسنده تحقیق فی کلمات القرآن پس از ذکر اقوال مختلف پیرامون واژه «قَصَصَ» بازگشت تمام معانی را به یک عبارت می‌دارند و می‌گویند: مفهوم خبر، حدیث، امر، روایت، تتبع و جستجو، ایراد و بیان، شأن و ذکر همه به یک چیز برمی‌گردد و آن، روایت یک حادثه‌ای که اتفاق افتاده و به هر وسیله‌ای ضبط شده خواه با قرائت یا سماع، مهم آن است که مطابق با واقع باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۷۵). مفهوم قصه در قرآن با اصطلاحات دیگری چون «نبأ» و «حدیث» که حکایت از بیان سرنوشت پیشینیان دارد، آمده است؛ مانند: (تَلَوْا عَلَیْكَ مِنْ نَبِیِّ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ) (قصص/۳) و (هَلْ أَتَاكَ حَدِیْثُ مُوسَى) (طه/۹). البته گاه قرآن مجید برای بیان وقایع دور تعبیر «انباء» به کار برده است مانند: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ» (کهف/۱۳) و برای بیان وقایع نزدیک یا آنچه باید نزدیک تلقی شود، تعبیر «اخبار» به کار گرفته است؛ مانند: «وَ كُنْتُمْ لَنَبَلِّغَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ تَبَلَّغُوا أَخْبَارَكُمْ» (محمد/۳۱). (حسینی، ۱۳۷۷، ص ۱۶)

غرض اصلی سوره

«غرض» به معنای هدف (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۶۰) است؛ هدفی که مقصود از تیر انداختن است، سپس به صورت اسم برای هر غایت و هدفی که برای رسیدن به آن تلاش می‌شود به کار می‌رود و جمع آن «اغراض» است. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۶۰۵؛ فیومی، بی‌تا، ص ۴۴۵) مراد از غرض سوره، همان هدف و غایتی است که سوره برای تحقق آن نازل شده است.

از آنجایی که هر سوره یک متن واحد است بر اساس اصول زبان‌شناسی، یک متن تنها یک هدف می‌تواند داشته باشد. (خامه گر، ۱۳۹۶، ص ۲۱)

حضرت ابراهیم (ع) در قرآن

«ابراهیم» به معنای پدر عالی (هاکس، ۱۳۹۴، ص ۴) واژه‌ای اعجمی است که به اشکال ابراهام و ابرهم و ابراهم به حذف یاء خوانده شده است (الجوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۷۱). برخی آن را واژه‌ای سریانی به معنای پدر مهربان دانسته‌اند (الکفوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴). یا مشتق از برهمه به معنای شدت نظر است (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۱). نام ایشان در تورات «ابرام» (سفر پیدایش، ۱۱، ۲۶) و در قرآن مجید ابراهیم است. ابراهیم فرزند «تارخ»^۱ (تارخ) و «ادنی» از نوادگان حضرت نوح (ع) ۳۰۰۰ سال پس از آدم یا ۱۲۶۳ سال پس از نوح (ع) در زمان حکومت نمرود بن کنعان در سرزمین بابل شهر «اور» به دنیا آمده است (ابوالفتوح رازی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۳۹).

نام حضرت ابراهیم (ع) ۶۹ بار و در ۲۵ سوره قرآن کریم ذکر شده است. قرآن کریم، ایشان را با صفاتی چون بردبار، دلسوز و توبه‌کننده «لَحْلِيمٌ أَوْاهٌ مُنِيبٌ» (هود/۷۵)، حنیف، مسلم و خداپرست «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (آل عمران/۶۷)، رشد یافته «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ» (انبیاء/۵۱)، صدیق «إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» (مریم/۴۱)، اسوه «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ» (ممتحنه/۴) و امام «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/۱۲۴) یاد می‌کند و همچنین ایشان را به صفت خَلَّتْ «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (نساء/۱۲۵) که شاخص‌ترین صفت وی است، معرفی می‌نماید.

داستان حضرت ابراهیم (ع) در ۱۰ سوره از قرآن کریم ذکر شده است و علیرغم اینکه سوره مستقلی به نام این پیامبر اولوالعزم نازل شده اما تمام داستان در سوره ابراهیم بیان نشده و تنها به زوایای خاصی از زندگی ایشان در سوره مذکور اشاره شده است و پرده‌های دیگر از حوادث زندگی ایشان در سوره‌های بقره (۳ مورد)، انعام، ابراهیم، انبیا، حجر، شعرا، مریم، ممتحنه، ذاریات، صافات گنجانده شده است. این داستان‌ها به مطالب متعددی که در طول زندگی ابراهیم اتفاق افتاده است اشاره دارد که به تفکیک بدان پرداخته خواهد شد.

داستان حضرت ابراهیم (ع) در سوره بقره

در این سوره در سه موضع داستان حضرت ابراهیم (ع) بیان شده است. اولین داستان به موضوع امتحان‌های ایشان اشاره دارد. نیز به زوایای نیل به مقام امامت، ساخت خانه کعبه، تشریح حج پرداخته است. همچنین مأمون بودن خانه خدا و مرجع بودن آن

^۱ -بفتح الراء و سکون الحاء المهملة

و دعای حضرت ابراهیم (ع) برای اهل مکه و فرزندانش در این داستان آمده است و آیات ۱۲۴ تا ۱۲۹ این سوره را در برمی گیرد.

داستان در آیات مذکور با جملات خبری ساده آغاز شده است، اما ناگهان صحنه گفتار و سیاق کلام از خبر به دعا منتقل می شود، گویا حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهما السلام) الآن مشغول کار و دعا هستند. همچنین به « عنایت و لطف ویژه پروردگار به حضرت ابراهیم (ع) اشاره می گردد؛ پس از این که حضرت ابراهیم (ع) بسیاری از عقبه ها را زیر پا نهاد خداوند امامت را پس از مقام نبوت و رسالت به عنوان یک موهبت الهی نصیب ابراهیم خلیل (ع) کرد». (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۵۵)

داستان دوم که تنها در آیه ۲۵۸ بیان شده است؛ اشاره به سرکشی و جدل نمروود بن کنعان، پادشاه وقت با حضرت ابراهیم (ع) دارد گرچه خود گمان می کرد در برابر استدلال پیامبر خدا احتجاج و برهان آورده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۳۵)

سومین داستانی که در سوره بقره ذکر شده، درباره درخواست حضرت ابراهیم (ع) در باب زیاد شدن یقین اوست این داستان نیز تنها در آیه ۲۶۰ بقره آمده است.

مفسران درباره غرض سوره بقره دارای نظرات گوناگونی هستند، برخی معتقدند: چون آیات این سوره به تدریج و متفرق نازل شده نمی توان غرض واحدی که جامع تمام آیات سوره باشد برایش پیدا کرد البته می توان گفت بخش عمده ای از سوره در خصوص عبادت حقیقی و ایمان به تمام پیامبران و کتب آنان است؛ بنابراین نظر، محور اصلی سوره بقره لزوم ایمان به تعالیم پیامبران است. (طباطبایی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳). در مقابل این نظر، مفسر تفسیر کاشف غرض و محور اصلی سوره بقره را «تقوا و نیکوکاری» معرفی می کند و ارتباط آیات این سوره با محور اساسی را در پنج بخش (تقوا و خلافت آدم)، (بنی اسرائیل، نمودار بی تقوایی و عدم شایستگی برای خلافت زمین و ارتباط داستان آدم و بنی اسرائیل)، (خاندان ابراهیم، نمونه تقوا و شایستگی برای خلافت و امامت)، (احکام و مرزهای الهی در برابر تقوای پیشگان)، (بیانی پیرامون انواع بر و تقوا) بیان می کند. (حجتی و بی آزار شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۴۰) برخی نیز سوره بقره را به دو قسمت عمده تقسیم کرده اند که هر کدام مخاطب خاص خود را دارد. قسمت اول که از ابتدای سوره تا آیه (۱۴۲) را شامل می شود خطاب به عامه مردم است و قسمت دوم خطاب به بنی اسرائیل است و در هر قسمت دستوراتی را بیان می دارد (حجازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۱). مفسر دیگری می نویسد: کل سوره یک مسیر مستقیم و محکم برای مسلمانان است که به بیان ویژگی ها و اوصاف مؤمنین و دشمنان و مخالفین ایشان از کفار و منافقین پرداخته است و نیز توضیح روش های قانون گذاری خاصه و عامه را بیان کرده است. (زحیلی، بی تا، ج ۱، ص ۷۰) نویسنده نظم الدرر محور سوره را ایمان به غیب و بعث می داند (البقاعی، بی تا، ج ۱، ص ۵۵). و اما آقای محمد حسین الهی زاده نویسنده کتاب تدبر در قرآن از قرآن پژوهان معاصر که رویکردی هدایتی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی نسبت به آیات قرآن دارد، درباره غرض سوره بقره معتقد است: نزول سوره بقره به سال های اول و دوم

هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه بازمی‌گردد، در آن عصر مسئله اصلی جامعه مسلمانان، نیاز به تأسیس حکومت و نظام دینی بوده است. لذا دغدغه اصلی، دغدغه تشکیل یک حکومت قانونمند است. از این رو غرض سوره بقره تأسیس نظام اسلامی است. این نظام، نیازمند به قانون اساسی است، موضوعات سوره بقره در حکم قانون اساسی برای نظام اسلامی است و در این قانون اساسی، چهارچوب ضوابط و احکام مورد نیاز تأسیس نظام اسلامی و حفظ و بقای آن بیان می‌شود و شرح این قانون اساسی در سوره‌های دیگر قرآن تبیین و تفصیل داده می‌شود. (الهی زاده، ۱۳۹۷، ج حمد و بقره، ص ۳۸۵)

تناسب هدف و غرض سوره بقره با داستان حضرت ابراهیم (ع)

به نظر می‌رسد از میان اقوال متعدد در خصوص محور سوره بقره، اگرچه سخن نویسنده تفسیر کاشف نمای کلی و منسجمی از این سوره را در ذهن مجسم می‌کند که فهم طولانی‌ترین سوره قرآن را آسان‌تر کرده است؛ اما یک سؤال در ذهن خواننده ایجاد می‌شود که اگر غرض این سوره تقوا است چه تفاوتی با سوره‌های دیگر که غرضشان دعوت به تقوا الهی است وجود دارد؟ از این رو سخن نویسنده کتاب تدبر در قرآن مورد، تحلیل و بررسی قرار گرفته است. ایشان معتقدند غرض سوره بقره تأسیس حکومت اسلامی است و موضوعات سوره بقره همچون قانون اساسی این نظام است. در این قانون هم جریان خلافت بیان شده و هم جریان امامت و نبوت. یک ضلع جریان خلافت، بنی اسرائیل و منافقین و کفار هستند و در ضلع مقابل حضرت ابراهیم (ع) و مؤمنین قرار دارند. دسته اول به عهد الهی وفادار نبوده و مرتکب انواع عهدشکنی شدند، در مقابل گروه پیمان شکن، ابراهیم (ع) قرار دارد؛ که پایبند به عهد الهی است و در این راه حتی از فرزند خود نیز گذشت. به عبارتی دیگر، در اولین داستان حضرت ابراهیم که از آیات ۱۲۴ سوره مبارکه بقره شروع می‌شود با توجه به سیاق قبل از داستان، خداوند متعال قوم بنی اسرائیل ناسپاس و عهدشکن را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید. «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و اّنی فضلّکم علی العالمین» (بقره/۱۲۲) مراد از نعمت در آیه، ولایت و مُلک است؛ زیرا خداوند در بنی اسرائیل هم نبوت را قرار داد و هم برای برخی از انبیاء ایشان مانند یوسف، طالوت، داود و سلیمان (علیهم السلام)، موقعیت تشکیل حکومت و فرمانروایی را فراهم نمود و اینکه شمارا بر تمام عالم برتری دادم اما شما ای بنی اسرائیل، باین همه نعمتی که خداوند به شما ارزانی داشت، با توطئه‌هایی که برپا نمودید، همه‌ی آن نعمت‌ها را ناسپاسی کردید. قرآن مجید پس از فراغت از ذکر عهدشکنی و کفران نعمت اهل کتاب به معرفی ضلع مقابل ایشان می‌پردازد. علت اینکه خداوند متعال به خدمات توحیدی حضرت ابراهیم اشاره می‌کند؛ ادعای پوچ و بی‌اساس یهود و نصارا است که خود را وارث حضرت ابراهیم می‌دانستند. خداوند متعال به ابتلائات حضرت ابراهیم و امتثال کامل ایشان و سربلندی در امتحانات الهی اشاره می‌کند «وَ اِذِ ابْتَلٰی اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِکَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ» و ایشان را به مقام امامت که مقامی مُلکی و ملکوتی است مفتخر می‌گردانید. هنگامی که حضرت ابراهیم این لطف الهی را در شأن خود دید، در راستای استمرار هدایت

^۱ - ای بنی اسرائیل! نعمت‌های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید.

در نسل‌های آینده و نگرش تمدن‌سازی که در اندیشه ایشان بود، از خداوند درخواست کرد، جریان امامت در نسل ایشان ادامه داشته باشد. البته رویکرد ایشان از این درخواست، بحث نژادی و قومیتی نبوده تا یهود و نصارا وارثان آن باشند. همان‌گونه که در دعاهای بعدی نیز خبری از قومیت و نژادپرستی مشاهده نمی‌شود. «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا». (بقره/۱۲۸) آنچه در دعای ایشان برجسته و آشکار است، تسلیم خداوند متعال بودن است و تفاوتی ندارد این امت از نسل آل اسماعیل باشد و یا از آل اسحاق. در آیات بعدی خداوند بنی‌اسرائیل را توجه می‌دهد که بعثت رسول خدا (ص) از خواسته‌ها و دعاهای حضرت ابراهیم بوده تا از سوءاستفاده بنی‌اسرائیل جلوگیری شود. «رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره/۱۲۹) و تنها پیروی از این آیین، سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد و دلیل آن نیز تسلیم محض بودن حضرت ابراهیم (ع) در برابر اوامر و فرامین الهی بوده است «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِربِّ الْعَالَمِينَ» (بقره/۱۳۱) و حضرت ابراهیم (ع) این تسلیم بودن را به فرزندان خود سفارش کرد و حضرت یعقوب (ع) که شما یهود و نصارا خود را فرزندان او می‌دانید، به سفارش جدش ابراهیم (ع) تسلیم محض خداوند بود و شما را نیز به این آیین توحیدی سفارش کرد. «وَ وصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَ يَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره/۱۳۲) خداوند این گزارش‌ها را از سخنان و سفارش‌های حضرت یعقوب داد ولی یهود و نصارا تفسیر به رأی دیگری دارند و آن اینکه، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، یهودی و نصارا بودند و حضرت یعقوب آن‌ها را به یهودیت و نصرانیت سفارش کرده است. این عناد و سرکشی بنی‌اسرائیل در آیات دیگری که در مورد تغییر قبله است خود را نشان می‌دهد، خداوند متعال در راستای امتحان اهل کتاب و افرادی از آن‌ها که اظهار ایمان و ارادت به پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان می‌کردند، دستور تغییر قبله را از مسجدالاقصی به مسجدالحرام صادر کرد. در این میان، دانشمندان یهود، کفر و نفاق درونی خود را آشکار کرده و مانند گذشتگان خود بهانه‌جویی کردند؛ و بار دیگر عهدشکنی آنان آشکار گردید. در قسمت دیگری از سوره بقره به احتجاج حضرت ابراهیم (ع) با نمرود بن کنعان اشاره شده است. حضرت ابراهیم (ع) همچنان در ضلع کسانی که پایبند به عهد الهی هستند قرار دارد و در طرف مقابل انسانی

^۱ - پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسلیم خود قرار ده و نیز از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند پدید آر و راه و رسم عبادت‌مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی.

^۲ - پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد و [از آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاکشان کند زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی.

^۳ - [و یاد کنید] هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم باش. گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.

^۴ - و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به آیین اسلام سفارش کردند که: ای پسران من! یقیناً خدا این دین را برای شما برگزیده، پس شما باید جز در حالی که مسلمان باشید، نمیرید.

ظالم و سرکش که مراعات عهد الهی را نمی‌کند ایستاده است که دست به طغیان زده و علاوه بر انکار ربوبیت پروردگار، برای خود مقام خدایی قائل است.

«لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۱. در داستان سوم حضرت ابراهیم (ع) و جریان زنده کردن پرندگان می‌توان گفت: حضرت ابراهیم به واسطه جایگاه والایی که در بارگاه الهی به دست آورده است؛ خداوند به ایشان قدرتی می‌دهد که با صدا کردن پرندگان، به اذن الهی زنده می‌شوند و این نیست جز این مطلب که هر کسی که در لواء ولایت الهی قرار بگیرد، می‌تواند به اذن الهی تصرفات تکوینی داشته باشد.

داستان حضرت ابراهیم (ع) در سوره انعام

داستان دیگر حضرت ابراهیم (ع) درباره استدلال او در پرستش ماه و ستاره و خورشید با بت پرستان است که در سوره انعام مطرح شده و ده آیه (۷۴-۸۳) از آیات آن را در برمی‌گیرد. در این آیات ابراهیم (ع) به بت پرستان می‌آموزد که چگونه اعتقاد تقلیدی خود را به اعتقاد استدلالی تعالی دهند و تقلید کورکورانه را رها کنند. (حجتی و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۶۰) از این رو با حجت و برهانی که از خداوند متعال به وی افاضه شده بود به هدایت قوم خود پرداخت و این دعوت را از عمومی خود «آزر» شروع کرد. علامه طباطبایی غرض سوره را توحید به معنای اعم ذکر کرده زیرا بیشتر آیاتش به صورت استدلال علیه مشرکین و مخالفین توحید و نبوت و معاد است (بی‌تا، ج ۷، ص ۴)

تناسب هدف و غرض سوره انعام با داستان حضرت ابراهیم (ع)

سوره مبارکه انعام با حمد الهی و اشاره به آفرینش نظام هستی «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»^۲ (انعام/۱) و نیز آفرینش انسان و نظارت بر اعمال و رفتار انسان آغاز گردیده است «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ

^۱ - آیا [با دیده عبرت] ننگریستی به کسی که چون خدا او را پادشاهی داده بود [از روی کبر و غرور] با ابراهیم درباره پروردگارش به مجادله و ستیز و گفتگوی بی‌منطق پرداخت؟! هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارم کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند [او] گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم. [و برای مشتبه کردن کار بر مردم، دستور داد دو زندانی محکوم را حاضر کردند، یکی را آزاد و دیگری را کشت.] ابراهیم [برای بستن راه مغالطه و تزویر به روی دشمن] گفت: مسلماً خدا خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنکه کافر شده بود، متحیر و مبهور شد. و خدا گروه ستم‌گر را [به خاطر تجاوز، ستم، پافشاری بر عناد و لجاجشان] هدایت نمی‌کند.

^۲ - همه ستایش‌ها و ویژه خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنی را پدید آورد. [با این همه نشانه‌ها که گواهی بر یکتایی و قدرت اوست] باز کافران برای پروردگارشان [بت‌ها و معبودهای باطل را] شریک و هم‌تا قرار می‌دهند.

أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُّسَمًّى^۱ (انعام/۲) افتتاح سوره با نشانه‌هایی از خالقیت پروردگار و ربوبیت خداوند متعال، پاسخی به مادیون است که جهان را ازلی می‌پنداشتند و منکر حدوث و آفرینش الهی بودند. نیز ردی بر عقاید کسانی است که منشأ نور و ظلمت را دو مبدأ جداگانه می‌دانند. چنانچه دوگانه پرستان ایران، کلدی و آشور، نور و ظلمت را دو مبدأ خیر و شر می‌پنداشتند و بر اساس آن خورشید و ماه و پنج سیاره را می‌پرستیدند و مشرکان عرب که برای بت‌های دست‌ساز و تراشیده شده خود مقام ربوبیت قائل بودند «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»^۲ (انعام/۱) داستان احتجاج حضرت ابراهیم (ع) قهرمان توحید در راستای غرض سوره (توحید) عنوان شده است، احتجاج ابراهیم (ع) با آزر حکایت از شروع دعوت به توحید و یکتاپرستی از خانواده و نزدیکان دارد. برخی از مفسرین شغل آزر را بت‌تراشی ذکر کرده‌اند؛ و چه شگفت است بت‌شکنی از خاندانی بت‌تراش. «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۳. خداوند متعال قبل از شروع به دعوت حضرت ابراهیم (ع)، ایشان را مجهز به حجت و براهینی می‌کند که در سایه مشاهده ملکوت آسمان و زمین به دست آورد. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَ كَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ - وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ كُشِطَ لَهُ عَنِ الْأَرْضِ حَتَّى رَأَاهَا وَ مَنْ فِيهَا وَ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى رَأَاهَا وَ مَنْ فِيهَا وَ الْمَلَكُ الَّذِي يَحْمِلُهَا وَ الْعَرْشُ وَ مَنْ عَلَيْهِ. (صفار، بی‌تا، ص ۱۰۷) ترجمه: برای ابراهیم (ع) پرده از روی زمین و آنچه در زمین است برداشته شد و از آسمان به طوری که هر چه در آسمان بود مشاهده کرد و فرشته‌ای که آن را حمل می‌کرد و عرش و آنچه بر عرش بود. گرچه حضرت ابراهیم (ع) در آیات قرآن به صفت حلم مزین شده است «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»^۴ (توبه/۱۱۴) و انبیاء الهی در دعوت و تبلیغ توحید، باید با مخالفان خود با نرمی سخن بگویند؛ ولی لحن برخورد حضرت ابراهیم (ع) در این سوره، به خاطر اصرار آزر بر کفر بوده است و منطبق حضرت ابراهیم (ع) در آیات مذکور، کوبیدن بت‌ها و بت‌پرستی است. «إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ زیرا گمراهی از این آشکارتر نیست که انسان مخلوق خود را معبود خود قرار دهد و موجود بی‌جان و بی‌شعوری را پناهگاه خود بپندارد و حل مشکلات خود را از آن‌ها بخواهد.

^۱ - اوست که شما را از گلی مخصوص آفرید، سپس برای عمر شما مدتی مقرر کرد..

^۲ - باز کافران برای پروردگارشان [بت‌ها و معبودهای باطل را] شریک و هم‌تا قرار می‌دهند.

^۳ - و [یاد کنید] هنگامی را که ابراهیم به پدرش آزر [شخصی که بنا بر روایات اهل بیت، پدر خوانده یا عمویش بود] گفت: آیا بت‌هایی را به عنوان معبود خود انتخاب می‌کنی؟ قطعاً من تو را و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم.

^۴ - یقیناً ابراهیم بسیار مهربان و بردبار بود.

داستان حضرت ابراهیم (ع) در سوره مریم

در این سوره آیات ۴۱ - ۵۰ به قسمت‌هایی از سرگذشت حضرت ابراهیم (ع) اشاره دارد، که شامل: «کناره‌گیری ابراهیم (ع) از پدر و مردم و خدایانشان و اینکه خداوند به او اسحاق و یعقوب را داد و به کلمه باقیه در نسلش اختصاص داد و برای او و اعقاب او یاد خیری در آیندگان گذاشت تا قیامت نامشان به نیکی برده شود.» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۶).

«غرض این سوره بشارت و انداز مردم است که در آیه نود و هفتم^۱ به آن اشاره شده است. قرآن مجید غرض سوره مریم را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته است نخست به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادریس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده است، آنگاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران خصلت‌های برجسته‌ای داشته‌اند.» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۶)

تناسب هدف و غرض سوره مریم با داستان حضرت ابراهیم (ع)

واژه رحمت با اشکال مختلف بیست (۲۰) مرتبه در سوره مبارکه مریم ذکر شده است. سوره با لطف و رحمت خداوند بر حضرت زکریا و استجاب دعای ایشان و بشارت تولد حضرت یحیی آغاز می‌شود؛ سپس از بشارت و رحمتی دیگر سخن به میان می‌آید و داستان مریم و فرزند دار شدن ایشان ذکر می‌گردد پس از فراغت از داستان حضرت مریم، داستان حضرت ابراهیم و احتجاج ایشان با آزر به تصویر کشیده می‌شود. در این سوره ابراهیم (ع) عاطفی سخن می‌گوید و چهار مرتبه لفظ «یا اَبْت» را برای آزر بکار می‌برد؛ حضرت ابراهیم دلسوزانه صحبت می‌کند و استدلال می‌آورد ولی آزر بی‌منطق و با تهدید جواب وی را می‌دهد و ابراهیم (ع) در برابر این بی‌مهری وعده استغفار به آزر را می‌دهد. ارتباط غرض سوره با داستان حضرت ابراهیم به‌وضوح هویدا و آشکار است. چراکه بشارت به اسحاق و یعقوب و قرار گرفتن امر نبوت در نسل ایشان و مبارزه و انداز ابراهیم (ع) در مواجهه با آزر و مردمان هم‌عصرش، مصادیقی از بشارت و انداز است. به عبارتی دیگر خداوند همواره رحمت و بشارت خاص خود را به بندگانی که در راهش استقامت ورزیده و با اخلاص گام بردارند ارزانی می‌دارد، این موهبت گاه در اجابت دعایی نهفته است و بیانگر این حقیقت است که عبادت و دعا، زمینه‌ی دریافت رحمت الهی است و بندگان در هر موقعیت و جایگاهی که باشند بی‌نیاز از دعا و راز و نیاز به درگاه الهی نیستند گرچه آن جایگاه، مقام نبوت و رسالت باشد. نیز باینکه خداوند حاجات انسان را می‌داند، اما در دعا و ناله، برکاتی مانند آرامش روحی، تواضع و عبودیت دعاکننده و مدح و ستایش خداوند نهفته است که نهایتاً به استجاب منتهی می‌گردد مانند دعای حضرت زکریا که در کمال

^۱ - فَإِنَّمَا يَسْرُنَا لِبَلْسَانِكَ لِيُنْبِشَرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا.

ناباوری ایشان مستجاب شد. «یا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا». حضرت ابراهیم (ع) با تمام قدرت با حجت‌های الهی به میدان آمده و برای اعتلای پرچم توحید به انذار نزدیک‌ترین اقوام و بستگان خود می‌پردازد گرچه به رجم و آوارگی از دیار خود تهدید می‌گردد «یا اِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا». و خداوند به پاس رویکرد توحیدی ایشان و بزرگداشت یاد و فرامین الهی و رویگردانی از نماد کفر و شرک و مجاهدت‌هایشان، فرزندان که دارای مقام معنوی نبوت بودند را به ایشان عنایت کرد. «فَلَمَّا اغْتَرَبْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا.»

داستان حضرت ابراهیم (ع) در سوره حجر

آیات (۵۱ تا ۵۸) این سوره از میهمانانی که به خانه حضرت ابراهیم (ع) وارد شدند و ترس ایشان از آنان سخن می‌گوید و در ادامه به بشارت آنان به فرزند در سن پیری خبر می‌دهد. غرض و هدف سوره مبارکه حجر تسلای خاطر وجود مکرم نبی اکرم در برابر تهمت و تمسخر و آزار و اذیت مشرکین قریش، پس از رحلت حضرت خدیجه (س) و ابوطالب (ع) است. علامه طباطبایی در این خصوص می‌فرماید: «این سوره پیرامون استهزاء کفار به رسول خدا (ص) سخن می‌گوید که نسبت جنون به آن جناب داده و قرآن کریم را هذیان دیوانگان خوانده بودند. پس در حقیقت در این سوره رسول خدا (ص) را تسلای خاطر داده، وی را به صبر و ثبات و گذشت از آنان سفارش می‌کند و نفس شریفش را خوشحال و مردم را بشارت و انذار می‌دهد.» (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۹۵)

تناسب هدف و غرض سوره حجر با داستان حضرت ابراهیم (ع)

کفار قریش و مشرکین مکه، در برابر دعوت به توحید و ترک عبادت بت‌ها از جانب پیامبر اکرم (ص) دست به تحقیر، تهمت، استهزاء و نسبت‌های ناروا زدند و گفتند: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر/۶). به گفته مفسران تعبیر «یا أَيُّهَا الَّذِي» به جای «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ» حکایت از تحقیر نسبت به ساحت رسول اکرم (ص) دارد. همچنین برای اثبات صدق دعوی رسالت و نبوت حضرت ختمی مرتبت (ص)، اقتراح و پیشنهاد نزول ملائکه را دادند که اگر از راست‌گویانی و در دعوت خود صداقت داری چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟ «لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ»^۳ البته به تصریح قرآن مجید این پیشنهاد بهانه‌ای بیش نبود و اگر بر فرض ما فرشتگان را بر آنان نازل کنیم و

^۱ - ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می‌دهیم، [و] پیش از این همنامی برای او قرار نداده‌ایم.

^۲ - و گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده! قطعاً تو دیوانه‌ای.

^۳ - اگر [درباره پیامبری‌ات] راست می‌گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟

مردگان زنده شوند و با آنان سخن بگویند و در برابر چشمشان همه چیز را حاضر کنیم، باز هم ایمان نمی آورند.^۱ از این رو، خداوند تبارک و تعالی در جهت تسلای قلب پیامبر اکرم (ص) می فرماید: و بی تردید ما پیش از تو هم پیامبرانی را در امت های پیشین فرستادیم و هیچ پیامبری به سوی آنان نمی آمد مگر آنکه او را مسخره می کردند. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْخِ الْأَوَّلِينَ. وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ» (حجر/۱۰ و ۱۱). استهزاء، سیره و روش همیشگی کفار و ملحدین، در برابر دعوت انبیاء الهی بوده است و عمل نوظهور و جدیدی نیست. سپس در آیات بعدی خداوند وعده و بشارت نابودی و هلاکت کفار فاجر و استهزاء کننده را می دهد «كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ فَوَرَّكُوا لِنَسْتَلْزِمَهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ... إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» (حجر/۹۰-۹۵) و در آیه دیگری برای بار دوم در صدد تسلای خاطر مبارک پیامبر برمی آید «وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ» (حجر/۹۷) مفسرین معتقدند، کثرت آیات تسلا دهنده، در سوره های مکی حکایت از فشار و اندوه فراوان رسول اکرم (ص) در شهر مکه دارد. اما در نحوه ارتباط داستان حضرت ابراهیم (ع) با مقصود و هدف سوره که تسلای پیامبر است می توان گفت: پیامبر اکرم (ص) از شدت آزار و اذیت مشرکان مکه به ستوه آمده، در اوج سختی، خداوند بشارت نجات و خلاصی از شر استهزاء کنندگان کافر را به ایشان می دهد «إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ» حضرت ابراهیم (ع) نیز در اوج نابوری در کهولت سن «قَالَ أَ بَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ بَشَّرْتُمُونِي» (حجر/۵۴) به فرزندی دانا بشارت داده می شود. «إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ» (حجر/۵۳) از سوی دیگر نابودی قوم ستمگر و فاسق لوط بشارت دیگری محسوب می شود که فرشتگان میهمان حضرت ابراهیم (ع)، به ایشان دادند. «قَالُوا إِنَّا

^۱ - وَ لَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَ حَسَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ.

انعام، ۱۱۱

^۲ - و بی تردید ما پیش از تو هم پیامبرانی را در امت های پیشین فرستادیم و هیچ پیامبری به سوی آنان نمی آمد مگر آنکه او را مسخره می کردند.

^۳ - [عذابی به سوی شما می فرستیم] همان گونه که بر تفرقه افکنان [در دین] فرستادیم. همانان که قرآن را بخش بخش کردند [بخشی را پذیرفتند و از پذیرفتن بخشی دیگر روی گرداندند]. به پروردگارت سوگند، قطعاً از همه آنان بازخواست می کنیم. از اعمالی که همواره انجام می داده اند. پس آنچه را به آن مأموری اظهار کن و از مشرکان روی بگردان. که ما [شر] استهزا کنندگان را از تو باز داشته ایم.

^۴ - ما می دانیم که تو از آنچه [مشرکان] می گویند، دلتنگ می شوی.

^۵ - گفت: آیا با آنکه پیری به من رسید، مژده ام می دهید؟ به چه مژده می دهید؟

^۶ - ما تو را به پسری دانا مژده می دهیم.

أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مُجْرِمِينَ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ^۱.» (حجر/۵۸ و ۵۹) آن چنان که نابودی کفار سرسخت استهزاء کننده بشارتی برای پیامبر اکرم (ص) بود.

داستان حضرت ابراهیم (ع) در سوره ممتحنه

در این سوره قرآن کریم اختصاراً در آیات (۴-۶) به داستان محاجه حضرت ابراهیم (ع) با کفار اشاره دارد و جریان استغفار ایشان برای عمویش آزر را بیان کرده است و سپس او را اسوه و الگویی برای مسلمانان معرفی می کند. «غرض سوره ممتحنه، برائت و پرهیز از دوستی با کفار و مشرکین است؛ و از آن به سختی نهی می کند». (طباطبایی، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۲۳)

تناسب هدف و غرض سوره ممتحنه با داستان حضرت ابراهیم (ع)

در این سوره خداوند متعال به جامعه ایمانی گوشزد می کند که ایمان به خداوند با برقراری دوستی و مودت با دشمنان خدا سازگار و قابل جمع نیست و برای تبیین این موضوع داستان بیزاری جستن حضرت ابراهیم (ع) از قوم و نزدیکان مشرکش را نقل می کند. از این رو تناسب داستان حضرت ابراهیم (ع) با غرض سوره ممتحنه از طریق دلالت لفظی آشکار می گردد. بدین ترتیب که در آیه اول خداوند مسلمانان را نهی می کند که مبادا مشرکین و دشمنان خداوند را به عنوان دوست اختیار کنید؛ زیرا دشمنان خدا، دشمنان مؤمنان نیز هستند و القای مودت و ابراز دوستی با دشمنان، جرئت آنان را در برابر مؤمنان بیشتر می کند و آنان را در دشمنی خود تقویت و مصمم می گرداند. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ^۲» و چگونه ممکن است در یکدل دو نوع محبت (خداوند و دشمن خداوند) گنجانده شود؟ و اگر مؤمنی این - چنین باشد قطعاً از مسیر درست منحرف شده و عاقبت شومی پیدا می کند. لذا در آیه سوم به مسلمانان یادآوری می کند، اگر گمان می کنید این امر غیرممکن است به حضرت ابراهیم (ع) اقتدا کنید، چرا که حضرت ابراهیم (ع) و یاران صادق ایشان که با حضرت ابراهیم (ع) هم عقیده بودند و از ایشان پیروی می کردند، دارای چنین خصیصه و صفتی نسبت به دشمنان خداوند بودند، از دوستی با مشرکین و دشمنان خداوند احتراز و اجتناب می کردند. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ

^۱ - گفتند: ما به سوی قومی گنهکار فرستاده شده ایم [تا نابودشان کنیم]. مگر خاندان لوط را که قطعاً همه آنان را نجات می دهیم.

^۲ - ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرنند.

وَخَدَهُ^۱ و در نهایت به مسلمانان توصیه و تأکید می‌شود از دوستی و قبول ولایت و سرپرستی دشمنان خدا که مشمول غضب الهی هستند (یهود و کفار و مشرکین) بر حذر باشند. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْئَسُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ^۲». (آیه ۱۳)

جدول ارتباط داستان با هدف سوره

سوره	غرض سوره	ارتباط داستان با غرض
بقره	تأسیس حکومت اسلامی	مقام امامت و تصرفات تکوینی
انعام	توحید	دعوت به توحید از نزدیکترین اقوام
مریم	بشارت و انذار	اسحاق و یعقوب و ادامه نبوت در نسل
ابراهیم	جایگاه قرآن	جایگاه حضرت ابراهیم و اعطاء نعمت در کهن سالی
ذاریات	توحید ربوبی و نبوت	تحقق وعده های الهی
صافات	اثبات اصول اعتقادات	دعوت مردم به توحید از طریق بشارت و انذار
حجر	تسلای پیامبر	نابودی قوم لوط و فرزندان شدن
ممتحنه	برائت	ابراهیم الگوی برائت از مشرکین
انبیاء	نبوت با زیر بنای معاد و توحید	انکار نبوت مسئله تمام پیامبران
شعراء	تسلای پیامبر	باز خورد یکسان اقوام با رسالت پیامبران

^۱ - مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید.

^۲ - ای مؤمنان! با قومی که خدا بر آنان خشم گرفته دوستی نکنید. آنان به یقین از آخرت مأیوسند، همان‌گونه که کافران مدفون در قبرها [که به سرانجام شوم خود رسیده‌اند، از نجات خویش] مأیوسند.

نتیجه گیری

از برآیند آراء لغویون در معنای قصص این معنا استنباط می شود که این واژه به معنای پیگیری و تعقیب فیزیکی و یا تعقیب بحث و نقل تسلسل وار یک حادثه است. از آنجایی که هدف قرآن از بیان قصه های قرآنی هدایت مردم است، خطاب به پیامبر اکرم (ص)، نوع خاصی از نقل و بیان را متذکر می شود که در آن قصه، تکه تکه و دنباله دار نقل شود تا ذره ذره در جان مخاطب نفوذ کند. از این رو قصه در قرآن به معنای، روایت حادثه ای، تسلسل وار و پشت سرهم است. معنای این واژه در آیه، به اعتبار کلمه قبل از خود یک امتیازی بدان افزوده یا کم می شود یعنی بستگی دارد قبل از واژه «قصص» در آیه چه واژه ای استعمال شده باشد، ولی از معنای اصلی خود فاصله نمی گیرد.

کشف ارتباط میان غرض سوره و داستان های مطروحه در سوره، علاوه بر فهم دقیق داستان، اثری عمیق در خواننده قرآن ایجاد می کند. در سایه ارتباط میان قصص با غرض سوره، علاوه بر درک چرایی تکرار داستان پاسخی بر خاورپژوهان و مسلمانانی است که هم رأی و هم داستان با ایشان شده و ریشه قصص را در اوهام و خرافات اهل کتاب و آموزه های تورات معرفی می کنند؛ و مشخص می گردد چرا بریده هایی از داستان انبیاء در سوره های متعدد مطرح شده است، زیرا داستان در راستای غرض سوره بازگو شده است. به طور مثال آنجا که غرض سوره نهی از دوستی و مودت با کفار و مشرکین است، الگو برداری از برائت حضرت ابراهیم (ع) از قوم و نزدیکان نقل شده است و درجایی که غرض سوره رحمت و بشارت الهی بوده از لطف و نعمت های الهی بر حضرت ابراهیم (ع) سخن به میان آمده است لذا با غرض و محور هر سوره، تصویری از داستان با یکسان بودن قهرمان یا حادثه با ظرافت های ادبی و هنری به چشم می خورد.

قرآن پژوهان برای برخی از سوره های قرآن غرض و هدفی مشابه ذکر کرده اند، به عنوان نمونه، غرض دو سوره حجر و شعراء تسلائی وجود نبی مکرم اسلام (ص) بیان شده است. شایان ذکر است، این تشابه در غرض، به صورت کلی است و سوره ها در جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند. به عبارتی دیگر، در سوره شعراء، تسلائی پیامبر اکرم (ص) در برابر تکذیب نبوت از سوی مشرکان است و در سوره حجر تسلا در برابر استهزاء و تمسخر مشرکین است و در همین راستا صحنه های داستان حضرت ابراهیم در دو سوره با هم متفاوت اند در سوره شعراء، داستان حضرت ابراهیم (ع) با تکیه بر احتجاج ایشان با آزر و قوم بت-پرست مطرح شده است و در سوره حجر سخن از میهمانان ابراهیم (ع) به میان آمده است.

فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه انصاریان)

ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. ج ۱-۵.

ابن فارس، أبو الحسين. (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. ج ۱-۱۵.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (بی تا). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی. ج ۱-۲۰.

البقاعی، برهان الدین. (بی تا). *نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور*. تحقیق عبدالرزاق غالب. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه. ج ۱-۸.

الجوهری، ابو نصر. (۱۴۰۷). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. تحقیق (نامأحمد عبد الغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین. الکفوی، أبو البقاء الحنفی تاریخ الوفاة ۱۰۹۴. (بی تا). *الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة*. تحقیق عدنان درویش و محمد المصری. بیروت: مؤسسه الرسالة.

الهی زاده، محمد حسین. (۱۳۹۷). *تدبر در قرآن و سیره*. مشهد: تدبر در قرآن و سیره.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تفسیر تسنیم*. قم: پژوهشگاه علوم و حیاتی معارج و مرکز بین المللی نشر اسراء.

حجازی، محمد محمود. (۱۳۸۶). *التفسیر الواضح*. بیروت: دارالجلیل.

حجتی، محمد باقر؛ و بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۲). *تفسیر کاشف*. تهران - ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، *مبانی قرآن*، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

خامه گر، محمد. (۱۳۹۶). *اصول وقواعد کشف استدلالی غرض سوره های قرآن*. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیة. ج ۱-۱.

زحیلی، وهبه. (بی تا). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. بیروت: دار الفکر المعاصر. ج ۱-۳۲.

سیوطی، جلال الدین. (بی تا). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربیة. ج ۱-۲.

- شرتونی، سعید. (۱۴۱۶). *اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*. تهران - ایران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
- صفار، محمد بن حسن. (بی تا). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- ج ۱-۱.
- طباطبایی، محمدحسین. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. ج ۱-۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو. ج ۱-۱۰.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی. ج ۱-۶.
- فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: مؤسسه دار الهجرة. ج ۱-۲.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ج ۱-۷.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی. ج ۱-۱۴.
- هاکس، جیمز. (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*. تهران: اساطیر. (بی تا).